

رفت و آمدهای مکرر مدیران ناکارآمد در فوتبال ایران

قحط الرجال فوتبال

گزارش یک دنیا جدیدی

«تغییر» با معنی دگرگونی و تعویض، عمدتاً با هدف ترقی و پیشرفت انجام می‌شود؛ گامی برای جبران یا حتی نوآوری. در فوتبال ایران اما این‌واژه، تعریفی متفاوت دارد و صرفاً آن را می‌توان جابه‌جایی یا به طور واضح‌تر در دست به دست شدن معنا کرد، آن هم در یک دایره محدود و کاملاً مشخص! قاعده‌های که سال‌هاست به شکلی کاملاً مشخص و با یک سازوکار یکسان و قابل پیش‌بینی پیش رفته است، درست مانند داستانی تکراری با شروع و پایانی یکسان که فقط هزارچندگامی اسامی آن دستخوش تغییر می‌شود و پس! توصیفی منطبق با واقعیت و صدرصد واضح از آنچه تحت عنوان تغییر مدیریت در فوتبال ایران خصوصاً در حوزه مدیریت رخ می‌دهد.

بیشتر فساد و دلالتی در فوتبال ایران شش‌ده‌مدیرانی که هر بار با وعده‌های دهان پرکن می‌آیند اما خوب که جاگیر شدند، همانند مرتبه‌قبل کاسه‌گدایی دست می‌گیرند و به عقد قراردادهای مشغول می‌شوند که هیچ سودی جز سنگین‌تر کردن بار بدهی‌های باشگاه و فوتبال را در پی ندارد، اما این روند تا سنیار نه مانع از حضور مجدد آنها می‌شود و نه بهانه‌ای برای پیش‌کشیدن پرونده‌های سنگین گذشته!

عمده این تغییرات یک شبه رخ می‌دهد؛ تغییراتی آنی که نه توضیحی در پی دارد و نه هیچ منطقی. تنها شوکی آنی به فوتبال و دستاران آن وارد می‌کند و خیلی زود، به دست فراموشی سپرده می‌شود چرا که نه داستانی جدید است و نه غیرقابل پیش‌بینی؛ روندی که فوتبال ایران را به خصوص در حوزه باشگاهی به زانو درآورده اما هرگز رنگ تغییر به خود ندیده است و با وجود نتیجه مشخصی که در پی دارد، به همان سبک و سیاق قبل و همیشگی ادامه دارد. حال آنکه اندکی تأمل کافی است تا تغییری گسترده به معنای واقعی و لغوی کلمه ایجاد شود برای ایجاد فضای تازه و متفاوت و مهم‌تر از آن، گسترش دامنه انتخاباتی که سال‌هاست به چند نام خاص محدود شده است؛ نام‌هایی با کارنامه‌های یکسان و البته ناکام.

فوتبال ایران نیازمند نام‌های تازه است؛ نیازمند مدیرانی که بتوانند دردی از آن دوا کنند و گامی در مسیر موفقیت بردارند، نه آنکه با تصویرسازی‌های دروغین و وعده‌هایی که هیچ یک ضمانت اجرایی ندارند، تنها جیب ملت را خالی کنند و دست آخر نیز با دوختن زمین و زمان به هم یا پای خود را از مهلکه بیرون بکشند یا توپ را به زمین دیگری بیندازند برای تطهیر خود! فوتبال ایران نیازمند نیروی جوان است؛ نیرویی تازه‌نفس که بر اساس شایستگی‌هایی که دارد بر مسند قدرت تکیه بزند، نه به واسطه لابی‌های قوی و آشنایی‌های قدیمی! مدیری که حرفی تازه برای گفتن نداشته باشد؛ حرفی متفاوت از شعارهای تکراری و نغزناشده‌ای که گوش دستاران فوتبال خیلی سال است از آن پر است؛ مدیری که قدرت ساختن داشته باشد



طرح مسیح گشتکار آوان

مضامین شبانه پای حکم‌های تکراری است؛ حکم‌هایی که نفس فوتبال ایران را به شماره انداخته است.

فتح‌الله‌زاده و محمدحسن انصاری فرد از جمله این مدیران هستند؛ مدیرانی که با وجود کارنامه‌هایی ملو از اشتباهات فاحش و تصمیماتی که ضررهای مهلک و ضرر و زیان‌های بسیار برای فوتبال باشگاهی ایران در پی داشته، هر از چندگاهی سر و کله‌شان در عرصه مدیریت باشگاهی ایران پیدا می‌شود، بی‌آنکه هیچ‌گونه رسیدگی به پرونده‌های

و تنها در مسیر تخریب گام برنندارد؛ مدیری که همت درآمزدایی داشته باشد و از نخستین روزی که بر صندلی مدیریت تکیه می‌زند، نقشه‌هایش برای خالی کردن جیب ملت نباشد؛ مدیری که حرفی برای گفتن نداشته باشد؛ حرفی که حرف باشد نه شعارهای پوچ و وعده‌های توخالی.

اما لازم‌ه حضور چنین مدیری در فوتبال ایران نیازمند تغییر نگاه آقایان بالادستی است که برای جابه‌جایی‌های تکراری خود حتی جمله‌ای توضیحی نیز ارائه نمی‌کنند و تنها کاری که می‌دانند انداختن

سنگین و فطور به جامانده از مدیریت قبلی آنها شده باشد، بی‌آنکه اشتباهات تأثیرگذار، جریمه‌های سنگینی که آبروی فوتبال ایران را خدشه‌دار کرده یا حتی هزینه‌های هنگفتی که روی دست فوتبال ایران گذاشته‌اند، تأثیری در تصمیم‌گیری برای بازگرداندن امثال آنها داشته باشد. گویی قحط‌الرجال است و مدیریت فوتبال ایران به خصوص در بخش باشگاهی، جز سهم مدیران بی‌کفایت و نالایق نیست! که اگر غیر از این بود، شاهد رفت‌وآمدهای مداوم و تکراری این افراد نبودیم!

سندلی لرزان ریاست بر سرخابی‌ها

میراث شوم مدیران تکراری

ماندن طولانی باشد اما رفت و آمد زیاد مدیران در این دو باشگاه و عدم پاسخگویی بابت دوران مدیریت باعث شده است شاهد باشیم برخی چهره‌های امثال مدیر بارها پشت میز مدیریت این دو باشگاه قرار گیرند؛ مدیرانی تکراری که میراث مدیریت‌شان برای این دو باشگاه چیزی جز بدهکاری، بیت‌المال خوری و افسارگسیختگی نبوده است.

پرسپولیس و استقلال به عنوان دو باشگاه و دو تیم پر هوادار فوتبال ایران در طول دهه‌های اخیر در زمینه تغییر مدیریت نیز از تمام تیم‌ها و باشگاه‌های فوتبال ایران بالاتر بوده‌اند. صندلی مدیریت این دو باشگاه چنان لرزان است که هیچ مدیری نمی‌تواند امیدوار به

علی فتح‌الله‌زاده رکورددار رفت و برگشت

برای پنجمین بار است که علی فتح‌الله‌زاده به عنوان مدیر عامل استقلال انتخاب می‌شود و از این بابت دست تمام رقبایش را از پشت بسته است. او کار مطبوعاتی انجام می‌داد ولی در سال ۷۵ عهده‌دار مسئولیتی بسیار مهم شد؛ مدیرعاملی باشگاه استقلال. علی فتح‌الله‌زاده یکی از باسابقه‌ترین مدیران این باشگاه است و دوباره پس از چند سال فراق به جمع استقلالی‌ها بازگشته. در پاییز ۷۵ او جانشین اولیایی شد. انتخاب مرحوم ناصر حجازی به عنوان سرمربی یکی از تصمیمات مهم فتح‌الله‌زاده بود و بر خلاف نتایج ضعیف در آن سال، استقلال در سال ۷۶ اولین قهرمانی‌اش را با حاج فتح‌الله‌زاده به دست آورد. نایب قهرمانی استقلال در آسیا نیز در دوره اول حضور او به ثبت رسید. انتخاب رونلد کخ به جای



منصور پورحیدری یکی از بدترین تصمیمات فتح‌الله‌زاده بود تا جایی که آخر فصل استقلال در رتبه نهم جای گرفت و آقای مدیر با دو قهرمان لیگ و یک قهرمانی جام‌حذفی در کارنامه مجبور به ترک استقلال بعد از هفت سال شد. سال ۸۶ هزار امید و آرزو برگشت و به هواداران وعده روزهای رویایی داد اما آبی‌ها سه سرمربی در طول

محمدحسین قریب مدیر ساکت و بدون هیاهو



رفت و آمدهای او نیز به باشگاه استقلال زیاد بود. محمدحسین قریب از اواخر دهه ۶۰ یکی از اعضای هیئت‌مدیره این باشگاه بود و برای اولین بار در ابتدای سال ۷۵ به عنوان سرپرست موقت انتخاب شد. دوران سرپرستی او تا پایان همان سال طول کشید و در این مدت آبی‌ها قهرمانی در جام‌حذفی را تجربه کردند. با وجود این تغییرات مکرر مدیریتی در دو باشگاه سرخابی امری اجتناب‌ناپذیر است. قریب برای بازگشت به این تیم تا اردیبهشت ۸۲ صبر کرد و بالاخره این هدف محقق شد، ولی بعد از چند ماه و پس از انتخاب امیرقلعه‌نویی به عنوان سرمربی با حکم برکناری مواجه شد. قریب دوباره در سال ۸۴ سر کارش بازگشت. مدیرعامل وقت از بدو شروع کارش قول داد استقلال را به جایگاه واقعی‌اش بازگرداند. فتح‌الله‌زاده استقلال رده‌نهمی را به قریب تحویل داد اما مدیرعامل جدید همانطور که قول داده بود در پایان فصل سوم قهرمانی را به هواداران تأیید نگذاشت. وزیر رفاه در همان قلعه‌نویی با تکیه بر جوان‌گرایی در فصل نخست نایب قهرمان شد، فصل دوم مقام سوم را کسب کرد و نهایتاً در اردیبهشت ۸۵ رژیایی قهرمانی‌شان محقق شد. طبق معمول تغییرات در رأس وزارتخانه‌ها مستقیماً روی مدیریت سرخابی‌ها تأثیر گذاشت. وزیر رفاه در همان سال عوض شد و نتیجه‌اش چیزی نبود جز برکناری مدیرعامل تیم قهرمان در شهر یورماه ۸۵. پس از آن قریب دیگر هیچ وقت به عنوان مدیرعامل به باشگاه برگشت و تنها در یک دوره رئیس هیئت‌مدیره استقلال بود. البته این مدیر ورزشی شانسش را در جاهای دیگر امتحان و در برهه‌هایی برای تصدی ریاست فدراسیون فوتبال نیز تلاش کرد، اما به نتیجه نرسید. در این سال‌ها در برهه‌های مختلف نام قریب به عنوان گزینه‌های مدیرعاملی استقلال مطرح شده ولی این اخبار تنها در حد حس و گمانه‌زنی باقی مانده است.

محمدحسن انصاری فرد از کالدرن تا کت و شلوار

یک پرسپولیسی قدیمی است که همه او را بیشتر به خاطر شاهکارهای مدیریتی‌اش می‌شناسند تا بازی‌هایش برای سرخ‌پوشان. محمدحسن انصاری فرد طی دو دوره حضور در رأس مدیریت باشگاه پرسپولیس میراث متفاوتی را از خود به جای گذاشته و بعید است به این زودی‌ها کسی روی دستش بلند شود. دوره اول مدیرعاملی او از سال ۸۴ شروع شد و برکناری علی‌پروین و انتخاب آری هان آلمانی به عنوان سرمربی از نخستین اقداماتش بود. انتقال جنجالی علیرضا نیکبخت‌واحدی از استقلال به پرسپولیس، باز کردن پای مصطفی دینزلی به فوتبال ایران و دیدار خمدرفضا عابدزاده در بازی دوستانه با بایرن مونیخ جزئی از افتخارات انصاری فرد محسوب می‌شود. شهر یورماه ۹۸ او برای دومین بار از سوی وزارت ورزش به عنوان همه‌کاره قهرمان انتخاب شد و در عرض تنها شش ماه میلیاردها تومان از پول بیت‌المال را با سوءمدیریتش حیف‌ومیل کرد. کالدرن سرمربی آرژانتینی رسماً از سوی مدیرعامل فراری داده شد تا این مری به خاطر چند روز تأخیر در پرداخت دستمزدش مجبور به شکایت شود؛ شکایتی که ۷۸۰ هزار دلار جریمه روی دست باشگاه دولتی گذاشت؛ مبلغی که دست آخر از یک مؤسسه مالی که وظیفه‌اش اعطای وام به کارآفرینان مناطق محروم بود پرداخت شد، اما تصمیمات عجیب به همین یک نفر خلاصه نمی‌شود. استوکس یکی از قراردادهای پرحاشیه آن زمان قهرمان بود؛ بازیکنی که ابتدا ۱۵۰ هزار دلار دریافت کرد و بابت ۵۳ دقیقه بازی ۸۶ هزار دلار طلبکار است؛ پرسپولیسی با اصرار انصاری فرد دو بازیکن تاجیکستانی خرید، در حالی که پنجره نقل و انتقالات باشگاه بسته بود، به همین خاطر این دو نفر یک نیم‌فصل روی نیمکت نشستند و حقوق دریافت کردند. تمدید سه ساله قرارداد او شوشیوچ باعث شد این دروازه‌بان بعد از شکایت بین‌المللی رأی جریمه ۸۶۶ هزار دلار علیه سرخپوشان بگیرد. کریستین اوساگونو با لطف مدیریت فشل فوتبال ایران ۲۵ هزار دلار به جیب زد. این بازیکن نیجریه‌ای بدون اینکه نقش مثبتی در تیم ایفا کند ۹۶ هزار دلار دیگر از پرسپولیس طلب دارد. انتقال یحیی گل‌محمدی به رغم وعده‌های مدیرعامل وقت پرحاشیه و پرهزینه‌تر از حد انتظار بود و قهرمان برای راضی کردن باشگاه شهرخودرو ۸ میلیارد تومان خرج کردند. انصاری فرد در ادامه مدیریت منحصرفرد خود قرارداد پنج ساله بی‌فایده اما پرحاشیه را با یک کارگزاری امضا کرد که جز اظهارات مالی هیچ سودی برای پرسپولیس نداشت است. بعد از رفتن انصاری فرد اسناد مختلفی از دوران مدیریتش منتشر شد که تنها یک مورد آن خرید کت و شلوار خارجی ۱۷ میلیون با پول باشگاه بود!

حبیب‌کاشانی پرسپولیس یا شورای شهر



عضو شورای شهر تهران بود اما همه او را به عنوان مدیرعامل سابق پرسپولیس می‌شناسند. حبیب کاشانی با اینکه تجربه مدیریت در ورزش را نداشت اما به خاطر آشنایی و همکاری با محمد علی‌آبادی، رئیس وقت سازمان تربیت بدنی به یک باره سر از باشگاه پر حاشیه در آورد و پایش به فوتبال باز شد. اولین بار در تیرماه سال ۸۶ عهده‌دار این سمت شد و تا یک سال نیز بر سر کار باقی ماند. مهم‌ترین دستاورد کاشانی طی این یک سال رساندن پرسپولیس به عنوان قهرمانی لیگ برتر پس از پنج فصل است. دومین دوره حضورش به مهرماه سال ۸۸ برمی‌گردد؛ وقتی که مرحوم عباس انصاری فرد برکنار و کاشانی به عنوان سرپرست باشگاه جایگزین وی شد. او بعد از برکناری کرانچان، علی‌دایی را برای سرمربیگری قهرمان‌انتخاب کرد و این تیم طی دو قهرمانی جام‌حذفی از تجربه تریب، منتها در تابستان ۹۰ اختلافات ایجاد شده باعث شد کار هر دو نفر به استعفا بکشد. با این تفاوت که علی‌سعیدلو، رئیس سازمان تربیت بدنی با رفتن کاشانی مخالفت کرد و او دوباره به باشگاه بازگشت. انتخاب پر حاشیه و حمیداستیلی یکی از جنجالی‌ترین اتفاقات آن دوره پرسپولیس بود. نحوه ور کار آمدن استیلی و تصمیم مدیرعامل اصلاً به مذاق هواداران خوش نیامد تا جایی که شعارهای اعتراضی علیه سرمربی از همان هفته نخست فصل تیم را به حاشیه کشاند. نتایج ضعیف تیم استیلی در نهایت چاره‌ای جز استعفا برای کاشانی باقی نگذاشت. نکته مهمی که هنوز از خاطر هواداران نرفته سه باخت متوالی پرسپولیس در دربی به رقیب دیرینه‌شان استقلال است؛ شکست‌هایی که جزئی از کارنامه ضعیف کاشانی در این باشگاه را تشکیل می‌دهد.

عباس انصاری فرد از پشت میز به پشت میله‌ها

اولین مدیرعاملی بود که پس از انقلاب اسلامی از سوی سازمان تربیت بدنی روی کار آمد. مرحوم عباس انصاری فرد هم مثل برادر کوچک‌ترش روزهای پر فراز و نشیب و البته پر حاشیه‌ای را در پرسپولیس تجربه کرد. انصاری فرد بزرگ در اولین دوره حضورش با پرسپولیس چند جام گرفت. مهم‌ترین آن قهرمانی تیم علی‌پروین در مسابقات جام‌درجام باشگاه‌های آسیا در سال ۷۰ است. او موفق شد اولین اسپانسر پیراهن را برای پرسپولیس بگیرد، منتها همین مسئله حواشی‌ای را ایجاد کرد. صداسیما بدون دریافت مبلغ حاضر به بخش مستقیم فینال جام‌درجام نشد و در نهایت هم با مخالفت مدیرعامل وقت برای پرداخت هزینه، این دیدار از تلویزیون پخش مستقیم نشد. جنجال سهام باشگاه در اواخر دهه ۷۰ سرودای زیادی به پا کرد و در نهایت هم سازمان تربیت بدنی مالکیت پرسپولیس را به دست گرفت. گفته می‌شود حاج عباس نقش زیادی در این مسئله داشت و پس از آن بود که در سال ۸۰ دوباره سکندار مدیریت قهرمان شد. کسب درآمد از ترانسفر بازیکنان به لیگ‌های خارجی در زمان او نیز محقق شد. پرسپولیس به خاطر انتقال مهدوی کیا به هامبورگ ۸۰۰ هزار فرانک درآمد به جیب زد، منتها اتفاقات عجیبی رقم خورد و دوران مدیریت انصاری فرد در سال ۸۱ به پایان رسید. او تا سال ۸۷ صبر کرد تا دوباره به پشت مورد علاقه‌اش بازگردد. انصاری فرد این بار با تصمیمات غیر حرفه‌ای تیم را بارها در حاشیه برد. مدیرعامل وقت با دادن وعده‌های زیاد از جمله جذب اسپانسر میلیاردی انتظارات بازیکنان و هواداران را بالا برد. از طرفی انتخاب زلاتکو انچار به عنوان سرمربی پرسپولیس با انتقادهای زیادی همراه شد. انصاری فرد در آن زمان گاه و بی‌گاه با بازیکنان اسمی تیم درگیر می‌شد و این مسئله یکی از بحران‌های مهم سرخپوشان در آن دوران به شمار می‌رود. همچنین مدیریت باشگاه در انتخاب بازیکنان نیز تصمیمات درستی نمی‌گرفت. جذب هوار ملامحمد، بازیکن عراقی جنجال برانگیز بود، ضمن اینکه بدهی باشگاه به بازیکنان و سایر طلبکاران در آن دوره بسیار بالا بود، منتها مدیرعامل به جای پرداخت مطالبات اقدام به تأسیس بیمارستان خصوصی پرسپولیس کرد. عباس انصاری فرد پس از اتمام دوران مدیریتش هم گرفتار تصمیمات قبلی‌اش بود تا جایی که با شکایات طاهری یکی دیگر از مدیران عامل پرسپولیس بابت آکادمی پرسپولیس در دویبی بیش از یک ماه را در زندان به سر برد.

